

### متن پرسش

سلام علیکم: از اینکه وقتتان را می‌گیرم عذرخواهم. اما چند تا سوال داشتم که امیدوارم راهنمایی ام کنید: چند سال پیش بود که یکهو یک احساس خیلی چکشی به من وارد شد و من متوجه شگفتی خود بودن یا وجود شدم. حالم اینطور بود (و هست) که کمی تمرکز نیاز دارم تا به آن حالت حیرت برسم و در آن با مطلق وجود روبرو هستم آنجا دیگر هیچ شبهه ای نسبت به هیچ چیز وجود ندارد و دیگر استدلالی هم برای وجود خدا و... لازم نیست. این حالت برایم بیشتر جلالی و ترسناک نمود داشت تا شب قدر ماه رمضان امسال این حالت بسیار شدید شد اما دیگر ترسناک نبود و آن حالت وجود، حس خوبی داشت. تا آخر ماه رمضان آن حالت بود اما بعد از ماه مبارک مثل گذشته کم‌رنگ شد. ماه پیش وقتی سفر زیارتی به مشهد رفتم باز در مشهد خودم را در حضور وجود مطلق می‌دیدم. این حالت گاهی کم و بیش هست در نماز هم گاهی سعی دارم بعنوان حضور قلب کمی در این حالت باشم اما نمی‌دانم باید چکارش کنم. خیلی هم فزّار است بطوری که وقتی در آن حالت هستم تعجب می‌کنم که چطور می‌شود در این حالت نبود و چند وقت بعد که از آن حال خارج شده ام تعجب می‌کنم که چطور می‌شود در آن حالت بود. جدیداً سخنرانی حضرت‌عالی پیرامون برکات نظر به وجود را گوش دادم اما باز نمی‌دانم چگونه باید این نظر را جهت دهی کنم و اصلاً به کدام سمت؟ در وجود مطلق و در حالت بی‌فکری که سمتی وجود ندارد. ممنون میشوم من را راهنمایی کنید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انسان هر اندازه در ابعاد مجرد خود حاضر شود، نسبت به حقایق بهتر می‌تواند رابطه برقرار کند. و در این رابطه مباحثی چون «ده نکته در معرفت نفس» و کتاب «خویشتن پنهان» می‌تواند مؤثر باشد. موفق باشید